

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم
چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

المان - 22 نومبر 2011

دریا

نمیدانم کدام سو رهسپاری
هزاران موج در سینه کنی گم
نه از دریانوردان شرم داری
خورد بر فرق هر یک زنده جانی
تباهی عادات دیرینه تو
ستیزه می کنی با ماه و خورشید
ز قهرت نیست ایمن جنس آدم
هرآنچه تو بگفتی من نه آنم
نیابی ره ز آب دیده من
برفتند و نگشتند از من آگاه
منم گنجینه راز خدائی
نمی آید ز من ناآشنائی
تمام هستی دنیا ز من هست
کنم پرورده نوع جانورها
دهم روزی به فرمان الهی
بود در عمق من از دیده پنهان
که در کنج و کنارم گشته منحل
شوی دلشاد از دردانه من

تو ای دریا بدین پهنا که داری
همه خشمی همه قهر و تلاطم
نه بر کشتی نشینان رحم داری
شود امواج تو کوه گرانی
هزاران کشتی گشته طعمه تو
خدای موجها با عمر جاوید
ز طوفانت بلا خیزد به هر دم
بگفتا ییم که من بس مهربانم
به رازی که بود در سینه من
هزاران نوح و اسکندر درین راه
منم صنودق اسرار الهی
مرا از زندگی نبود خدائی
نه اینکه من به نابودی دهم دست
به تعداد بنی آدم به دنیا
به میلیون ها ز جنس مار و ماهی
هزاران کوه با گنجینه آن
بسی دشت و بسی صحرا و جنگل
بیابی گنج در ویترانه من

سترگ است اندرون سینه من بزرگ است این دل بی کینه من
نباشد جز صفائی پیشه من بسا شاعر که در اندیشه من
نبايد بست تهمتهای بیجا
که شد فی الماء کُل شیء احیا

تذکر:

این پارچه مثنوی در سبک نسبتاً آزادتر سروده شده و ضوابط کهن در حد تمام قوافی مراعات نگردیده است.